

گورستان نویافته از دوران ساسانی - اسلامی در محوطه اؤلتان قالاسی دشت مغان آذربایجان ایران

چکیده

گورستان اؤلتان قالاسی در مجاورت محوطه تاریخی اؤلتان قالاسی (قلعه شهر اؤلتان) دشت مغان در استان اردبیل واقع شده است. این گورستان در عملیات راهسازی شهرستان پارس آباد کشف و پس از کاوش نجاتبخشی تعداد ۱۰۰ گور شناسایی و مستندنگاری شد. گورستان مذکور با عنوان یکی از مهم‌ترین گورستان‌های کشف شده از دوران ساسانی، سده اولیه و میانی اسلام در منطقه شمال غرب ایران محسوب می‌شود. نتایج یافته‌های این گورستان می‌تواند در تکمیل بخشی از **خلاء** مطالعات باورهای آیینی - دینی جوامع این ناحیه در اواخر دوران تاریخی و اوایل اسلامی و شناخت مواد فرهنگی به خصوص سفالینه‌های دوران ساسانی بسیار راهگشا باشد. پژوهش حاضر نتایج کاوش باستان‌شناختی و مطالعات کتابخانه‌ای بوده و به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است: ۱- گورستان اؤلتان قالاسی متعلق به کدام دوره (ها) ی فرهنگی است؟ ۲- اهمیت مطالعاتی گورستان اؤلتان قالاسی مغان در باز شناخت بخشی از باورهای دینی جوامع منطقه چگونه قابل تبیین است؟ در این نوشتار، ضمن توصیف و ارائه گاه‌شناختی مواد فرهنگی گورها، به تحلیل سنت‌های تدفینی در راستای باز شناخت بخشی از باورهای آیینی - دینی جوامع گورستان اؤلتان قالاسی به عنوان بخشی از ساکنان دشت مغان پرداخته می‌شود. نتایج کلی پژوهش مشخص کرد. براساس، مواد فرهنگی به خصوص سکه‌های نقره‌ای و ظرف شیشه‌ای یافت شده، گورستان متعلق به دوران ساسانی بوده که پس از ورود دین اسلام **تدفین‌هایی** از سده‌های اولیه و میانی اسلامی در گورستان دوران تاریخی شکل گرفته است. همچنین نتایج دیگر پژوهش نشان می‌دهد که تدفین درون چاله (بستر زمین) مغایر با سنت‌های آیین زردشتی بوده که بازگو کننده تداوم سنت تدفینی دوران پیشاساسانی منطقه شمال غرب ایران است. به نظر می‌رسد نفوذ دین زرتشتی در مناطق مرزی کمرنگ بوده و باورهای محلی بیشتر رایج بوده است. شاید همین عامل سبب شده است تا در کتیبه زردشت از این منطقه بانام بلاسگان / بلاسجان نام برده شود.

واژه‌های کلیدی: گورستان اؤلتان قالاسی، دشت مغان، تدفین دوران ساسانی، هرمز دوم، اوایل اسلام.

مقدمه

گورستان‌ها به عنوان فضاهای تدفینی در بازشناخت بخشی از باورهای جوامع انسانی در طول دوران مختلف فرهنگی واجد ارزش مطالعاتی هستند. همچنین به دلیل تأثیر مستقیم باورها و اعتقادات در هر دوره‌ای بر نوع تدفین و گور نهاده‌ها، مطالعات قبور در بازشناسی بخشی از اندیشه‌های آیینی و آداب و رسوم مرتبط با جهان پس از مرگ جوامع گذشته اهمیت بالایی دارد. با این حال یکی از پرسش‌های اساسی بدون پاسخ در منطقه شمال غرب ایران، وضعیت سنت تدفین (گرایش‌های اعتقادی مردم) و به تبع آن مواد فرهنگی متعلق به دوران ساسانی است. هرچند پیش از پژوهش حاضر، تدفین‌های محوطه هفتون تپه در سلماس (Burney, 1970: 169-171) با عنوان شاخص‌ترین شواهد تدفینی متقن مربوط به دوران ساسانی منطقه محسوب می‌شد، با این حال غالباً گورهای به دست آمده از دوران تاریخی بدون مواد فرهنگی شاخص، با عنوان تدفین‌های اشکانی در نظر گرفته شده است (Tahmasebi et al, 2023). این در حالی است که مدارک متقن (سکه و ظروف سفالین شاخص اشکانی) برای گاهنگاری نسبی این گورها یافت نشده است. براین اساس احتمال تعلق این گورها به دوران ساسانی وجود داشته باشد. سنت تدفین و مواد فرهنگی مربوط به دوران ساسانی در منطقه شمال غرب ایران (Alizadeh, 2014, 2011; Huff, 2006)، نسبت به سایر دوره‌ها کمتر شناخته شده و مطالعات مربوط به این دوران در منطقه با ابهامات و کاستی‌های فراوان همراه است. بنابراین، ضرورت انجام پژوهش‌های منسجم در گورستان‌های این دوران حائز اهمیت است.

در تابستان ۱۴۰۱ در زمان عملیات چهار بانده نمودن راه ارتباطی شهر پارس آباد - سرپند در محدوده قلعه - گورستان شهر تاریخی اولتان قالاسی، گورستان تاریخی کشف شد. خاکبرداری و تسطیح ماشین‌آلات سنگین راه‌سازی باعث تخریب بخشی از گورستان تاریخی شده بود. پس از اخذ مجوز مربوطه، عملیات کاوش باستان‌شناختی در آن انجام شد. مطالعه این گورستان، نقش بسیار مهمی در شناخت بخشی از باورهای آیینی دوران ساسانی و اوایل اسلامی منطقه می‌تواند داشته باشد. بنابراین، مقاله حاضر به عنوان، نخستین فعالیت در راستای انتشار نتایج علمی کاوش گورستان بوده و به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است: ۱- گورستان اولتان قالاسی متعلق به کدام دوره (ها)ی فرهنگی است؟ ۲- اهمیت مطالعاتی گورستان اولتان قالاسی در بازشناخت بخشی از باورهای دینی جوامع منطقه چگونه قابل تبیین است؟ نتایج این پژوهش، می‌تواند گام مهمی در تفسیر، تحلیل و شناخت مواد فرهنگی دوران ساسانی و اوایل اسلام منطقه باشد.

روش پژوهش

پژوهش‌های حاضر از نوع کیفی بوده و براساس فعالیت میدانی باستان‌شناختی و مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. در فعالیت میدانی به منظور شناسایی چاله‌های گور، ابتدا خاک سطحی ترانشه، به ضخامت حدود ۵ سانتی‌متر برداشت و پس از کمچه‌کشی و پاک‌سازی کامل سطح ترانشه، حدود کلی چاله‌های گور به وضوح قابل تشخیص شد. پس از آن کار کاوش در گورها آغاز و به ترتیب با شماره‌گذاری Grave Number تمامی گورها و گورنهادها مستندنگاری گردید. در مرحله کتابخانه‌ای جملگی اطلاعات به دست آمده از فعالیت میدانی، به شیوه توصیفی - تطبیقی، مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت. همچنین، جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، تعداد ۱۰۰ گور مستندنگاری، ۱۵ گور کاوش شده و ۱۶۲ عدد گورنهاد است.

پیشینه مطالعات باستان‌شناختی اواخر دوران تاریخی و سده‌های اولیه اسلام در آذربایجان ایران

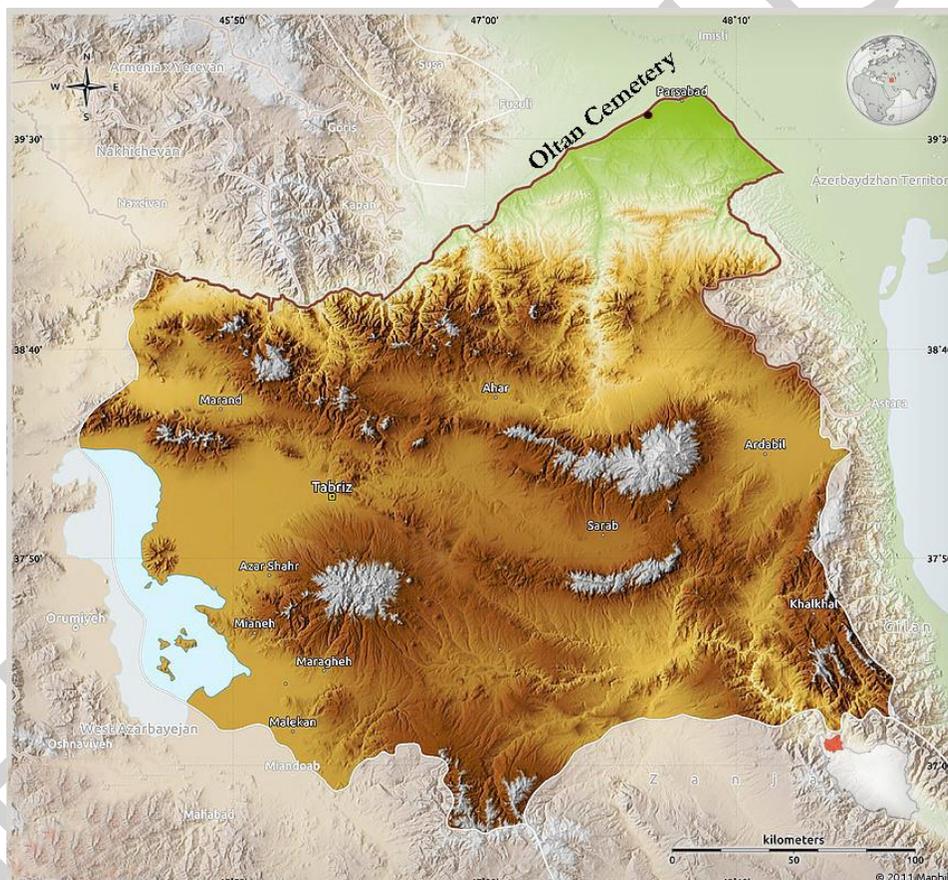
پیشینه فعالیت‌های باستان‌شناختی مربوط به دوران تاریخی و اوایل اسلام منطقه آذربایجان ایران، را می‌توان به طور کلی در دو دسته مورد مطالعه قرار داد. دسته نخست، شامل اطلاعات به دست آمده از محوطه‌های باستانی منطقه آذربایجان ایران بوده که بیشتر شامل پرونده‌های ثبت ملی آثار که متکی به شناسایی و مستندنگاری اولیه است. هرچند نتایج آن چندان قابل اعتناء نیست به طوری که در پرونده‌های ثبتی موجود در آرشیو وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، محوطه‌های ساسانی دارای گاهنگاری اشکانی نیز ذکر شده‌اند. از این‌رو، گاه‌شناختی محوطه‌های مذکور شامل دوران اشکانی - ساسانی است و به سختی می‌توان محوطه - ای متعلق به دوران ساسانی مشاهده کرد! به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین علل در این ابهام، عدم شناخت داده‌های باستان‌شناختی مربوط به این دوران است. همچنین، کمبود کاوش‌های باستان‌شناختی و عدم انجام مطالعات باستان‌سنجی و تاریخ‌گذاری مطلق یافته‌ها در بسیاری از محوطه‌های دوران تاریخی - اسلامی منطقه در این مسأله بسیار تأثیرگذار بوده است.

دسته دوم مربوط به کاوش‌های باستان‌شناختی در محوطه‌های چون، تخت سلیمان تکاب (Huff, 2006)، کهنه قلعه مشگین - شهر، اؤلتن قالاسی (Alizadeh, 2014, 2011)، هفتوان تپه (Burney, 1970: 169-171)، قلعه بسطام (Squitieri, 2020:73)، تپه چپرآباد (گرگرو) اشنویه است. هرچند در این محوطه‌ها، شواهد مربوط به دوران ساسانی به دست آمده است. با این حال، به دلیل کمبود کاوش‌ها نمی‌توان سیمای کلی منطقه را در دوران ساسانی به خوبی ترسیم نمود. از این‌رو، برای درک صحیح و بهتر از وضعیت منطقه شمال غرب ایران، در دوران ساسانی ضرورت تداوم کاوش‌ها در محوطه‌های شاخص منطقه وجود دارد. یافته‌های گورستان اؤلتن قالاسی نیز تنها بخشی از مطالعات مربوط به سنت‌های تدفینی منطقه را در دوران مذکور پوشش می‌دهد و نمی‌توان آن را به جملگی محوطه‌های ساسانی و به تبع آن پهنه فرهنگی منطقه در دوران مذکور تعمیم داد. بنابراین، برای دستیابی به اطلاعات کافی در این زمینه، فعالیت‌های باستان‌شناسی انجام شود. از طرفی دانسته‌ها درباره وضعیت محوطه‌های سده اولیه اسلام منطقه نیز عموماً متکی به نتایج کاوش‌های باستان‌شناختی در محوطه اؤلتن قالاسی (علیزاده، ۱۳۸۸؛ Alizadeh, 2014, 2011)، برزند (محمدی، ۱۳۹۷)، یئل سویی، مسجد جامع اردبیل، قیزقالاسی بیل‌سوار است. محدودیت فضاهای کاوش و عدم دستیابی به گورستان‌های این دوران، باعث شده است تا دانسته‌ها درباره شیوه‌های تدفین و مواد فرهنگی این دوران در منطقه بسیار محدود باشد. بنابراین، پژوهش حاضر را می‌توان به عنوان شاخص‌ترین گورستان کاوش شده از دوران ساسانی و اوایل اسلام منطقه شمال - غرب ایران حتی جنوب قفقاز محسوب کرد که نتایج آن نقش مهمی در شناخت مواد فرهنگی و سنت‌های تدفین مربوط به این بازه زمانی داشته باشد.

گورستان اؤلتن قالاسی

محدوده مورد مطالعه در جنوب رودخانه ارس و شمال روستای "اؤلتن" از توابع شهرستان پارس آباد استان اردبیل واقع شده است. در این محدوده، آثار تاریخی مهم از قبیل قلعه - شهر اؤلتن قالاسی (شماره ثبت ملی ۲۶۵۴)، اؤلتن تپه‌سی (شماره ثبت ملی ۳۰۱۷۰)، گورستان اؤلتن (شماره ثبت ملی ۳۰۱۶۸) و گورستان تاریخی اؤلتن قالاسی تاکنون شناسایی شده است. برای نخستین بار از نام - جای دشت مغان در کتیبه کعبه زردشت (اکبرزاده، ۱۳۸۵: ۹۰؛ Ghodrati-Dizaji, 2007) و روی یک مهر (Kasumova, 1991: 20)، به صورت "بلاسگان" یاد شده است. در اوایل دوران اسلامی نیز محدوده بلاسجان (بالاذری، ۱۳۶۷: ۴۵۸؛ ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۱۲۱) با موقعیت جغرافیایی دشت مغان قابل تطبیق است. در صحرای بلاسجان، شهرهای برزند، ورثان قرار دارد (ابودلف، ۱۳۵۴: ۴۷). براساس، پژوهش‌های باستان‌شناختی موجود، شواهد مهمی از دوران ساسانی در این منطقه کشف و شناسایی شده است

(Alizadeh, 2014, 2011; Alizadeh & Ur, 2007). همچنین، طی کاوش‌های باستان‌شناختی در محوطهٔ اؤلتان قالاسی، شواهدی از دوران ساسانی و اسلامی به دست آمده است (نک. به، علیزاده، ۱۳۸۸). **گورستان یاد شده** در فاصلهٔ ۴۰ متری سمت شرقی این محوطه، در **مختصات** جغرافیایی 39S X: 736805/69 Y: 4387407091/91 و ارتفاع ۱۰۱۲ متری از سطح آب‌های آزاد واقع شده است (تصویر ۱). محدودهٔ واقعی گورستان می‌بایست بزرگتر از آن چیزی باشد که در ظاهر دیده می‌شود. چرا که بخش‌هایی از آن در نتیجه کانال‌کشی دفع فاضلاب تأسیسات شرکت "کشت و صنعت مغان" در سال ۱۳۵۱، راه‌سازی در سال ۱۳۵۵، ساخت و سازهای مسکونی روستایی و تأسیسات تولیدی و انبارهای خصوصی و دولتی آسیب دیده و تخریب شده است. وسعت امروزی گورستان در راستای شمال‌شرقی - جنوب‌غربی ۱۰۰ متر و بیشترین عرض آن ۱۸ متر بوده که قسمت‌های از آن زیر راه ارتباطی و سوله‌های برادران سپهری واقع شده است (تصویر ۲). به دلیل اینکه قلعه - شهر تاریخی اؤلتان قالاسی در بازهٔ زمانی حداقل ساسانی تا قرون میانی اسلامی پا برجا بوده است، به احتمال دارای گورستان‌های متعددی بوده که گورستان مورد مطالعه یکی از نمونه گورستان‌های این محوطه است.



تصویر ۱- موقعیت جغرافیایی گورستان اؤلتان قالاسی (<http://www.maphill.com>)

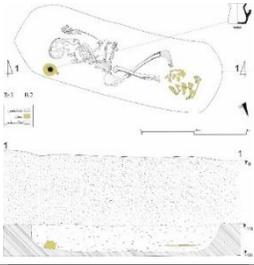
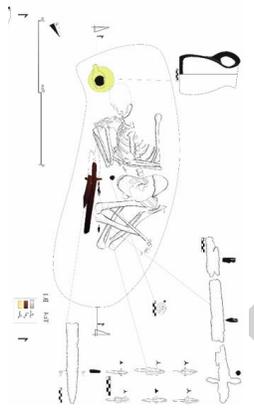


تصویر ۲- موقعیت گورستان نسبت به محوطه اؤلتان قالاسی (نگارندگان، ۱۴۰۲)

تدفین‌های دوران ساسانی

تدفین‌های گورستان، متعلق به دوران پیش‌ازاسلام و دوران اسلامی بوده و گورهای هر دو دوره درون بستر زمین (لایه خاک رس و شن) و به شیوه چاله‌ای و بعضاً دارای ساختارهای خشتی و تخته‌های چوبی است. تدفین‌ها، عموماً انفرادی و تنها در یک مورد تدفین دوران ساسانی به صورت جفت انجام شده است. تدفین‌های دوران ساسانی به دو شیوه طاق‌باز و جنبی می‌باشد. در غالب تدفین‌های ساسانی، بازوی چپ روی قفسه سینه و دست در مقابل صورت قرار گرفته‌اند. در تدفین T4. B4 دو تدفین انسانی (مرد و زن) به شیوه جنبی انجام شده (جدول ۱) و در قسمت استخوان سربازوی دست راست یک عدد سرپیکان آهنی فرورفته است (تصویر ۳). در سایر تدفین‌ها شواهدی از شکستگی در استخوان‌ها مشاهده نمی‌شود. با توجه به تردد ماشین‌آلات سنگین، بقایای استخوان‌ها به شدت آسیب دیده و امکان مطالعات باستان‌سنجی استخوان‌های انسانی بادشواری همراه است. باین‌حال، مستندنگاری و برداشت استخوان‌ها با دقت کامل انجام شد و تلاش می‌شود در آینده مطالعات لازم در این زمینه انجام شود.

جدول ۱- مشخصات گورهای دوران تاریخی (بازه زمانی دوره ساسانی) و موقعیت قرارگیری گورنهادها (نگارندگان، ۱۴۰۲)

شماره گور	ابعاد cm	جهت حاله	گورنهاد	توضیحات	تصویر	طرح
T3. B1	۳۰×۸۰×۱۵	شمالی - جنوبی	قطعات خرد شده آهن، قطعات خرد شده شیشه، ۲۰ عدد مهره فریت، ۲ عدد میخ، استخوان حیوان، قطعات سفال، یک عدد خنجر آهنی، یک عدد چاقوی آهنی.	تدفین به وسیله دو تدفین دوران اسلامی، بسیار آشفته شده است. جنسیت نامشخص		-
T3. B2	۷۶×۱۰	جنوب- شرقی - شمال- غربی	دو ظرف سفالی	پهلوی چپ		
T4. B1	۱۷۵×۷۵×۴۹	شمالی - جنوبی	۱ عدد ظرف سفالی، قطعات استخوان حیوانی، یک عدد استخوان کار شده حیوانی، یک قبضه شمشیر آهنی، ۶ عدد سرپیکان آهنی، مهره سفالی،	اسکلت متعلق به یک مرد بالغ است		

		<p>بقایای استخوان انسانی خرد شده جنسیت احتمالاً مرد بالغ</p>	<p>قطعات شکسته شیشه، یک عدد سردوک سنگی، یک عدد چکش سنگی، بقایای قطعات صدف، ۴ عدد سریپکان آهنی، قطعات استخوان حیوانی، دست‌افزار ابسیدین، بقایای چاقوی آهنی، بقایای سنگ آهنی کمر بند، اویز مفرغی،</p>	<p>شمالی - جنوبی</p>	<p>۲۰۷۸۷-۰۷۸</p>	<p>T4. B2</p>
		<p>مرد بالغ صورت به پهلو چپ و رو به سمت شرق،</p>	<p>ظرف سفالی، خنجر آهنی، حلقه‌های آهنی زنجیرمانند، سه عدد سکه نقره‌ای، انگشتر مفرغی با نگین شیشه‌ای، مهره شیشه‌ای، چاقوی آهنی</p>	<p>شمالی - جنوبی</p>	<p>۶۸۰۰۶۸۱۱ ۲۳۱۸۰۶۸۱۱</p>	<p>T4. B3</p>
		<p>۲ تدفین انسانی (مرد و زن) صورت هر دو اسکلت به سمت تقریباً به سمت شرق است</p>	<p>دو عدد ظرف سفالی، مهره سفالی، سریپکان آهنی، سنتاق سر آهنی، سردوک سفالی، حلقه آهنی (انگشتر)، میله آهنی احتمالاً سریپکان</p>	<p>شمال- شرقی- جنوب- غربی</p>	<p>۵۲۰۰۷۸۸۱ ۱۷۷۸۰۷۸۸۱</p>	<p>T4. B4</p>
		<p>این گور به وسیله مسیر انتقال کابال مخاریات به طور کامل تخریب شده است. شواهدی از تدفین انسانی به دست نیامد.</p>	<p>قطعات خمره سفالی، ۳ عدد ظرف سفالی، قاپ حیوانی، سردوک شیشه‌ای، دانه‌های گیاهی، بقایای استخوان حیوانی، چند قطعه آهن در ابعاد بسیار کوچک</p>	<p>شمالی - جنوبی</p>	<p>۱</p>	<p>T4. B7</p>

	بخش‌های از گور به وسیله پی ساختمانی و مسیر انتقال لوله گاز تخریب شده است. تدفین انسانی شناسایی نشد	ظرف سفالی، ظرف شیشه- ای، چاقوی آهنی، قطعات استخوان حیوانی	شرقی - غربی	۸۸×۱۱×۱۴	T4. B8
--	--	---	-------------	----------	--------

نمونه‌هایی از تدفین درون بستر زمین متعلق به دوران ساسانی در محوطه هفتوان تپه (Burney, 1970: 169-171)، تل ملیان (Alden & Balcer, 1978: 83-84)، تل سنکر A (Kamada & Ohtsu, 1988: 150)، شهر قومس (Hansman, J., & Kutterer et al, 1970: 153)، شوش (Boucharlat, 1991: 72)، اوج تپه (Gibson, 1981: Plate 101)، امارات (Stronach, 1970: 153)، قلعه ایرج پیشوای ورامین (Mousavinia et al, 2018: 33)، گردی بازار کردستان عراق (Squtieri, 2015: 43-54)، قلعه کنگلو سوادکوه مازندران (سورتیچی، ۱۳۹۰: ۹۰) و نزدیک شهرستان چاپارلی^۱ جمهوری آذربایجان (Avşarova & Pirquliyeva, 2010: 125)، به دست آمده است. در این محوطه‌ها تدفین‌ها به صورت چاله‌های ساده درون زمین کنده و اجساد همراه با گورنهاده دفن شده است.



تصویر ۳- سرپیکان فرورفته درون سراسخوان بازوی دست (نگارندگان، ۱۴۰۱)

ابعاد و عمق گورها، متغیر می‌باشد. غالباً تدفین در عمق حدود ۵۰-۷۰ سانتی‌متری از سطح زمین قرار دارد. روی اسکلت (جسد)، خاک نسبتاً نرم فاقد سنگ‌ریزه ریخته شده که از نظر بافت خاک متفاوت با بستر زمین است. همین عامل در تشخیص چاله گورها راهگشاست. در پیرامون جسد، شماری گورنهاده قرار داده‌اند. به نظر می‌رسد ارتباط معناداری میان تعداد گورنهاده‌ها با پایگاه اجتماعی شخص متوفی وجود داشته است. موقعیت قرارگیری گورنهاده‌ها نیز درون چاله گور از استانداردهای خاصی تبعیت نمی‌کند. به طوری که اشیاء در تمامی قسمت‌های چاله قرار دارد.

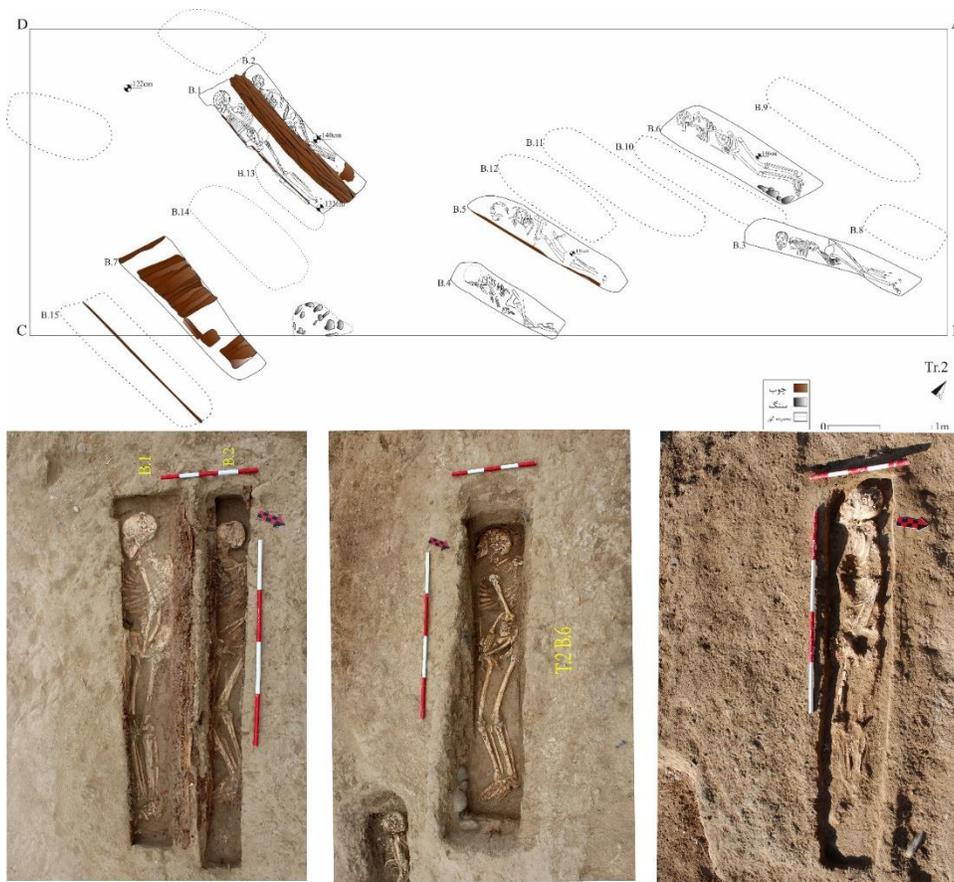
^۱- تدفین‌های شناسایی شده در چاپارلی Çaparlı جمهوری آذربایجان به شیوه خاکسپاری درون چاله است. اسکلت‌ها عموماً به شیوه طاق‌باز بوده و گاهنگاری آن متعلق به اوایل قرون وسطی (ساسانی و اوایل اسلام) است.

گورهای دوران اسلامی

گورهای دوران اسلامی عموماً در نیمه جنوبی محوطه متمرکز است. گورها درون بستر زمین و به شیوه چاله‌ای ایجاد شده‌اند. بعضی از گورها، دارای ساختار خشتی و الوار چوبی هستند (تصویر ۴). خشت‌ها به صورت خام با ابعاد مختلف (عموماً ابعادی در حدود ۲۰×۱۶×۵ و ۱۷×۱۱×۵ سانتی‌متر داشتند) در ساختار دیوار و بعضاً روی چاله گور با ملاط گل چیده شده‌اند. نوع دیگر گورهای دوران اسلامی، دارای تخته چوبی هستند. تخته‌های چوبی در دیواره‌ها و بعضاً روی گور قرار گرفته است. گورهای دارای الوار چوبی نسبت به سایر گونه‌ها از تعداد کمتری برخوردارند. ضخامت تخته‌ها حدود ۵ سانتی‌متر بوده و با میخ‌های به طول ۵ الی ۷ سانتی‌متر به همدیگر چفت و بست شده‌اند. نوع چوب آن به دلیل عدم مطالعات باستان‌سنجی مشخص نیست. با این حال به نظر می‌رسد از نوع درختان جنگلی در ساحل رودخانه ارس باشد. تدفین‌ها کاملاً ماهیت اسلامی دارند. قراردادن جسد درون تابوت‌های چوبی در اوایل اسلام در این منطقه، به نظر متأثر از فرهنگ‌های مجاور به خصوص جنوب قفقاز می‌باشد. به طوری که نمونه‌های از تدفین درون تابوت‌های چوبی در مناطقی از پیرامون رودخانه کور در نزدیکی شهر "مینگه‌چئویر جمهوری" آذربایجان یافت شده است. در این گونه از گورها، دو تدفین در مجاورت هم و به صورت چهره به چهره دفن شده است (Avşarova & Pirquliyeva, 2010: 49). در گورستان اولتان قالاسی نیز دو تدفین تابوتی چسبیده بهم شناسایی شد که از این نظر بسیار شبیه به نمونه‌های فوق است. همچنین، در شهر دربند نیز نمونه‌ای از گورهای خشتی اوایل اسلام شناسایی شده است (Qadjiev, et al. 2019: 66). به طور کلی نمونه‌های از گورهای با ساختار خشتی، چوبی، چاله‌ای و تدفین درون ظروف سفالین، پیشتر در منطقه قفقاز گزارش شده است (Osmanov, 2011: 44). به نظر می‌رسد، برخی از ساختارهای معماری گورهای این منطقه، متأثر از فرهنگ و ادیان جنوب قفقاز به خصوص مسیحیت با فرهنگ آلبانیا بوده است (Abdurahmanov, 2022: 118). بخش وسیعی از جمعیت منطقه پیرو آیین مسیح که در سده ۴ میلادی با عنوان دینی رسمی انتخاب شده بود قرار داشتند. شاه‌راه ارتباطی که شهرهای جنوب قفقاز را با آذربایجان ایران مرتبط می‌ساخت دقیقاً از شهر ورثان^۱ (اولتان قالاسی) عبور می‌کرده است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۹۶-۹۷). چنین موقعیت جغرافیایی بستری برای ترویج و شکل‌یابی باورهای مسیحیت در ساختار دینی برخی شهرهای ولایت آذربایجان (مقدسی، ۱۳۶۱/۲: ۵۵۹) در دوران ساسانی و اوایل اسلام تأثیرگذار بوده است. بنابراین، چنین تدفین‌هایی می‌توانست متأثر از گرایش برخی از ساکنان منطقه به باورهای مسیحیت باشد.

تدفین درون گورهای دوران اسلامی، در راستای شرقی - غربی بوده و صورت اجساد رو به سمت قبله است. عرض این گورها، نسبت به گورهای دوران تاریخی کمتر بوده و از این نظر (شکل ظاهری) به راحتی با گورهای دوران تاریخی قابل تشخیص است. کف گورهای دوران اوایل اسلام، هم‌سطح گورهای دوران تاریخی بوده و گاهی نیز باعث تخریب این گورها نیز شده است. همچنین، تدفین‌های چند سطح متعلق به دوران اسلامی نیز به دست آمد. درون این گورها، براساس دوره‌های (تقدم تأخر زمانی) دفن شده است. بنابراین، گورهای دوران اسلامی متعلق به چند دوره بوده که باتوجه به پیشینه تاریخی محوطه اولتان قالاسی در سده‌های اولیه و میانی اسلام منطقی است.

۱ - مکان‌یابی شهر ورثان تاریخی با اولتان قالاسی امروزی در مطالعات باستان‌شناسی کریم علیزاده مطرح شده است (علیزاده، ۱۳۸۶: ۲۳-۲۵).



تابوت چوبی

چاله ای

خشتی

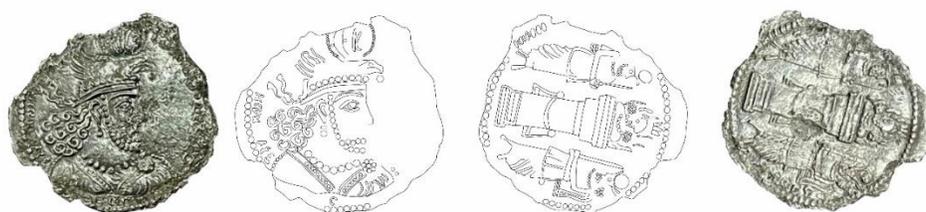
تصویر ۴- پراکنش و گونه‌های مختلف گورهای دوران اوایل اسلام (نگارندگان، ۱۴۰۲)

گورنهادها

در کاوش گورهای دوران تاریخی گورستان اولتان قالاسی، تعداد ۱۶۲ گورنهاد به دست آمد. این گورنهادها از نظر جنس در گونه‌های، سفال، آهن، مفرغ، نقره، شیشه، سنگ (عقیق، رسوبی)، فریت است. همچنین دارای کارکردهای گوناگون بوده که به شرح زیر است.

سکه: در کاوش گورستان اولتان قالاسی، تعداد ۳ سکه از جنس نقره به دست آمد. این سکه‌ها تنها در داخل گور شماره (T4. B3) یافت شد (تصویر ۵). سکه‌ها در قسمت بالا تنه اسکلت قرار داشته و یک نمونه زیر دست‌ها بود. به نظر می‌رسد سکه‌ها، احتمالاً داخل لباس بوده و نسبتاً آسیب دیده است. پس از مرمت و پاک‌سازی مشخص شد متعلق به هرمز دوم ساسانی (۳۰۲ - ۳۰۹ میلادی) است. هرمز دوم، هشتمین شاه ساسانی است که همزمان پادشاه ارمنستان دین مسیحیت را به عنوان دین رسمی انتخاب کرد. پشت سکه نیم تنه درمیان شعله آتش قرار دارد. درباره ماهیت این شخص تفسیرهای مختلف وجود دارد. در برخی موارد به شاه اشاره می‌کند. کسی که می‌توانست آتش مقدس جدید برپا کند. اما نیم‌تنه فاقد تاج بوده بنابراین، شاید اهورامزدا یا زردشت است (گاریبیلدی، ۱۳۹۵: ۲۴). باتوجه به آسیب‌دیدگی نوشته روی سکه‌ها، مفهوم جملات نامشخص است. روی سکه‌های موجود از هرمز دوم در آرشیه‌های مختلف عبارت «خداوندگار مزداپرست هرمز شاهنشاه ایران و انیران که چهر از یزدان دارد» و بر پشت آن عبارت

«آتش هرمز» نوشته شده است (نصراله‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۱۹). بنابراین، احتمالاً نوشته روی سکه‌های مکشوفه از این گور، نیز چنین بوده است.



Ol . 2022. Tr.4 B.3



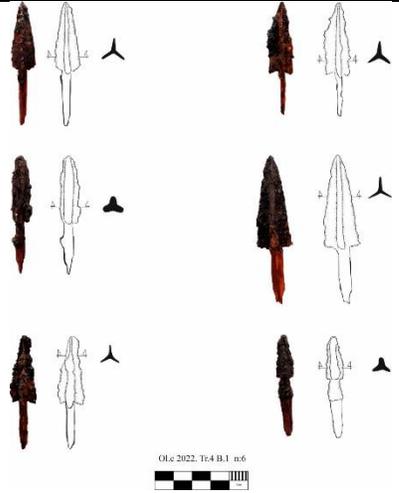
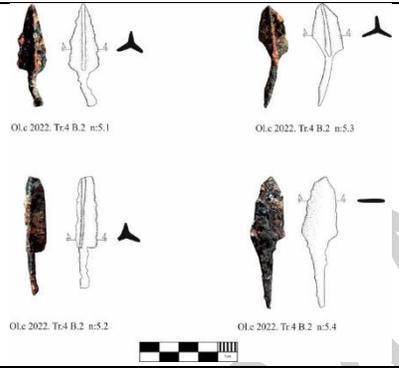
تصویر ۵- سکه مکشوفه از گور شماره ۳ ترانشه ۴ (نگارندگان، ۱۴۰۲)

جنگ‌افزارها

جنگ‌افزارها شامل شمشیر، خنجر، چاقو، سرپیکان است. این اشیاء، از جنس فلز آهن و به شیوه ریخته‌گری ساخته شده‌اند. تیغه‌ها به طور کامل آهنی بوده و دسته‌ها به طور کامل از بین رفته است. به نظر می‌رسد دسته‌ها از جنس چوب بوده که بقایای جزئی از آن در داخل گور (T.3 B.1) به دست آمد. همچنین، این اشیاء دارای غلاف‌های از جنس احتمالاً پوست بوده که به وسیله پرچ‌های بهم وصل می‌شد. در داخل گور T3. B1 شواهدی از آن به دست آمد. این خنجر دارای پرچ‌ها به طول نیم سانتی‌متر بوده که در دو طرف (پشت و رو) خنجر قرار دارد. پراکنش جنگ‌افزارها در داخل گورها، به صورت نامنظم بوده و به نظر می‌رسد این اشیاء متناسب با جایگاه اجتماعی و حرفه فرد مورد نظر بستگی داشته و این جنگ‌افزارهای شامل شمشیر، خنجر، چاقو و سرپیکان است (جدول ۲).

جدول ۲- مشخصات جنگ‌افزارهای گورستان (نگارندگان، ۱۴۰۲)

شماره گور	گورنهاد	تعداد	تصویر
T3. B1	خنجر آهنی	۱	
T4. B1	شمشیر آهنی	۱	

	۶	سریکان آهنی	T4. B1
	۴	سریکان آهنی	T4. B2
	۱	تیغه آهنی چاقو	B8. N3

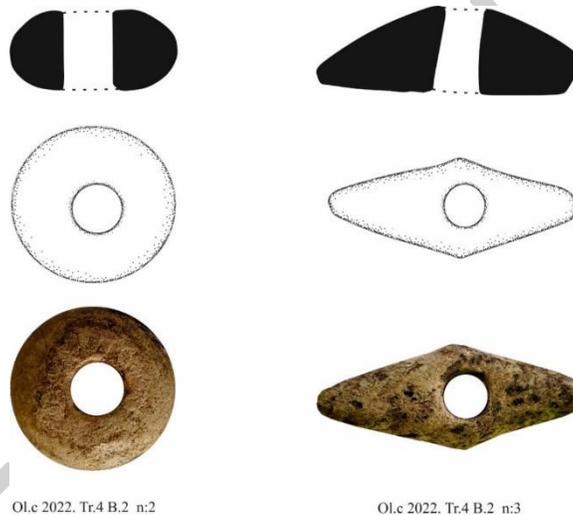
ظروف سفالین: تعداد ۱۲ ظرف سفالین (سالم و نیمه سالم) در داخل گورهای کاوش شده به دست آمد. این ظروف سفالین از نظر شکل ظاهری، شامل ظروف دهانه باز (بشقاب و پیاله)، ظروف دهانه بسته (پارچ) است. برخی ظروف دارای تزیینات کنده شکاری و افزوده و به جزء قسمت دسته، تماماً چرخ ساز هستند. این ظروف در قسمت‌های مختلف گور و پیرامون اسکلت قرار دارند و از نظر موقعیت قرارگیری، نظم و الگوی خاصی برای آن نمی‌توان در نظر گرفت (جدول ۳). شاموت این ظروف، ماسه ریز بوده و از پخت کافی برخوردار است.

جدول ۳- مشخصات ظروف سفالین گورهای اولتان قالاسی (نگارندگان، ۱۴۰۲)

مقایسه	تزیین	رنگ پوشش بیرون	پوشش بیرون	موقعیت درون چاله گور	تصویر	گور
-	ندارد	قهوه‌ای تیره	گلی رقیق	نزدیک مجسمه		T3. B2
از نظر فرم بدنه قابل مقایسه با ظروف سفالین محوطه برگوتیات (Langdon & Harden, 1934: fig. 3)، وه اردشیر (Ricciardi, 1967: fig. 159)	ندارد	نخودی	گلی رقیق	نزدیک مجسمه		T4. B1
از نظر فرم بدنه و لبه قابل مقایسه با ظروف سفالین محوطه برگوتیات (Langdon & Harden, 1934: fig. 2)، فرم بدنه با سفال تورنگ تپه (Lecomte, 1987: Pl.) 6A (Langdon & Harden, 1934: fig. 1)، کیش (58).	افزوده	قرمز	گلی غلیظ	-		
از نظر فرم قابل مقایسه با ظروف سفالین محوطه برگوتیات (Langdon & Harden, 1934: fig. 3)، کیش (Langdon & Harden, 1934: fig. 1)، فرم لبه با سفال تورنگ تپه (Lecomte, 1987: Pl. 67)، سفال بخش غربی قصر ابونصر (Whitcomb, 1985: fig.) 19)، فرم لبه و بدنه جنوب غرب ایران (Kennrt, 2002: 2)، فرم لبه منگچور آذربایجان (Goshgarli, 2013: 31)	ندارد	قهوه‌ای روشن	گلی رقیق	اسکلت از بین رفته بود		T4. B7
از نظر فرم قابل مقایسه با سفال بخش غربی قصر ابونصر (Whitcomb, 1985: fig. 17).	ندارد	قهوه‌ای تیره	گلی رقیق	اسکلت از بین رفته بود		T4. B7
فرم و تزیین قابل مقایسه با سفال قصر ابونصر (Whitcomb, 1985: fig. 48)، حاجی آباد (محمدی فر و امینی، ۱۳۹۴: ۳۷۱)، محوطه فارسان و آبدانان (Habibi, 2023: 201-204)	کنده	نخودی	گلی رقیق	نزدیک انگشتان پاها		T4. B3
فرم و تزیین قابل مقایسه با سفال قصر ابونصر (Whitcomb, 1985: fig. 47)، فرم بدنه قابل مقایسه با سفال تورنگ تپه (Lecomte, 1987: Pl. 54).	ندارد	قهوه‌ای روشن	گلی رقیق	در نزدیکی زانوها و قسمت میانی گور		T4. B4
از نظر فرم قابل مقایسه با ظروف سفالین محوطه برگوتیات (Langdon & Harden, 1934: fig. 3)، کیش (Langdon & Harden, 1934: fig. 1)، فرم لبه با سفال تورنگ تپه (Lecomte, 1987: Pl. 67)، سفال بخش غربی قصر ابونصر (Whitcomb, 1985: fig.) 47)، فرم لبه و بدنه جنوب غرب ایران (Kennrt, 2002: 2)، تزیینات سفال تل ملیان (Alden & Balcer, 2013: 31)	کنده	قهوه‌ای روشن	گلی رقیق	اسکلت از بین رفته بود		T4. B8

1394: (محمدی‌فر و امینی، 1978: 83-84) تپه یحیی (محمدی‌فر و امینی، 1394: 376)						
فرم بدنه قابل مقایسه با سفال تورنگ تپه (Lecomte, 1987: Pl. 67).	ندارد		کلی رقیق	-		سطحی

کارابزار: در کاوش گورستان اولتان قالاسی، تعدادی گورنهاده به دست آمد. این اشیاء از جنس سفال و سنگ بوده و به نظر می‌رسد به عنوان ابزار کارکرد داشته است. یک نمونه چکش سنگی درون گور شماره ۲ ترانشه ۲ در کنار اسکلت یافت شد. این چکش از جنس سنگ مرمر سفید بوده که درون آن سوراخی برای عبور چوب تعبیه شده است. دو سمت سر چکش، به دلیل برخورد با سطح سفت بسیار ساییده شده است. گورنهاده دوم نیز یک عدد خرمهره سنگی از جنس مرمر سفید است. این مهره مدور بوده و باتوجه به ابعاد آن شاید کارکرد سردوک سفالی داشته است (تصویر ۶).



تصویر ۶- طرح چکش و سردوک سنگی (نگارندگان، ۱۴۰۲)

آویز سنگی: آویز سنگی به فاصله ۷۵ سانتی‌متری از دیواره شرقی چاله و ۱۷۰ سانتی‌متری از دیواره جنوبی چاله گور و در عمق ۱۸ سانتی‌متری به صورت خوابیده روی چاله گور، قرار گرفته است. شکل آن مکعب مستطیلی به طول ۴ سانتی‌متر و بیشترین عرض ۲ سانتی‌متر که در بخش میانی به صورت قوس‌دار باریک‌تر شده و به قطر ۱/۵ سانتی‌متر رسیده است. جنس این آویز از سنگ ماسه‌ای بوده و رنگ آن سفید متمایل به آبی است. انتهای آن سوراخ برای عبور نخ ایجاد شده که به دلیل شکستگی سوراخ، مجدد سوراخی در ضلع مقابل آن ایجاد کرده‌اند. همچنین، یک عدد آویز از جنس مفرغ درون گور شماره ۲ ترانشه چهار به دست آمد. این آویز در قسمت گردن اسکلت قرار دارد. آویز به شکل هلال بوده که در قسمت میانی حلقه‌ای به قطر حدود نیم میلی‌متر برای عبور نخ ایجاد شده است. به طور کلی این شی مفرغی با عنوان آویز کاربرد داشته است (تصویر ۷).



Ol.c 2022. Tr.4 B.2 n:12



Ol.c 2022. Tr.3 B.1 n:8



تصویر ۷- سمت راست؛ آویز سنگی، سمت چپ؛ آویز مفرغی (نگارندگان، ۱۴۰۲)

اشیاء شیشه‌ای: در گورهای شماره ۲ و ۵ ترانشه ۴ (T4. B2,5) شواهدی از بقایای خرد شده شیشه به دست آمد. در گور شماره ۵ ترانشه ۴ (T4. B5) یک ظرف شیشه‌ای کامل و نسبتاً سالم باقی مانده است. این ظرف شیشه‌ای دارای تزیینات خیاری بوده و دارای پوشش نازک به رنگ سبز است (تصویر ۸). نمونه‌های مشابه این ظرف شیشه‌ای در موزه شهرکرد و آبگینه (Akbarzadeh, 2022: 40-41) بین‌النهرین، گیلان (Shishegar, 1992) موزه شیشه تهران (Walker, 200: 800)، جنوب قفقاز (Simpson, 2015: 79)؛ (Avşarova & Pirquliyeva, 2010: 187) موزه سنندج (Zarei, 2023: 82)، موزه بریتانیا (Simpson, 2015: 84)، نینوا (Simpson, 2005: 148) به دست آمده و متعلق به دوران ساسانی است.

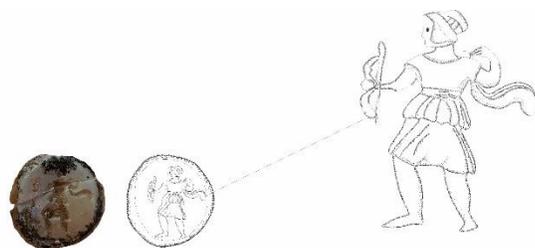


Ol.c 2022. Tr.4 B.5 n:2

تصویر ۸- ظرف شیشه‌ای (نگارندگان، ۱۴۰۲)

انگشتر (مهر)

درون گور شماره ۳ ترانشه ۴ روی اسکلت انگشتر کوچک دست چپ، انگشتر مهری به دست آمد. حلقه انگشتر از جنس مفرغ بسیار آسیب دیده بود. روی آن نگینی از جنس عقیق قرار داشت. نگین به رنگ قرمز بوده که سطح آن تصویر انسان کمان به دست به روش کنده ایجاد شده است (تصویر ۹). پوشش لباس قابل مقایسه با نمونه نقش مهر موجود در موزه بریتیش (Bivar, 1969: Plate 6) و سربند آن قابل مقایسه با سربندهای نقش برجسته‌های دوران ساسانی است. استفاده از انگشتر مهری، پیشینه تاریخی در منطقه دارد. در کاوش‌های گورهای اشکانی گرمی نیز نمونه‌ای از این داده‌ها به دست آمده است (کامبخش‌فرد، ۱۳۴۶). مهم‌ترین مسأله درباره این مهر، تعیین هویت شخص موجود روی نگین آن است. نداشتن تاج و کتیبه، باعث شده است تا نتوان در رابطه با مالکیت آن اظهار نظر کرد. با این حال، داشتن سکه درون لباس و هدایای پیرامون آن همراه با این مهر نشان می‌دهد که شخص مورد نظر، دارای پایگاه اجتماعی مناسب بوده است.

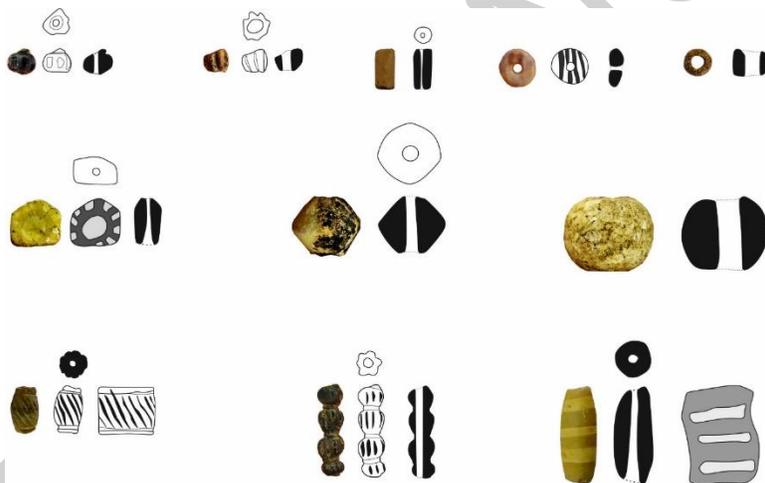


Old. 2022. Tr.4 B.3 n:6



تصویر ۹- نگین شیشه‌ای (مهر) انگشتر مفرغی (نگارندگان، ۱۴۰۲)

مُهره: در کاوش گورهای اوّلتان قالاسی، از این گونه مواد فرهنگی، به تعداد نسبتاً زیاد به دست آمد. این مهره‌ها از جنس عقیق، شیشه، خمیر شیشه (فریت) درست شده‌اند. مهره‌های شیشه‌ای دارای اشکال و تزیینات در اشکال نقاشی و کنده است. این مهره‌ها در طیف رنگی سبز، زرد، شیری، سفید، قرمز و قهوه‌ای بوده و در مرکز آن سوراخی برای عبور نخ ایجاد شده است. همچنین، در مهره‌های از جنس خمیر شیشه، نیز نقاشی در طیف رنگی مختلف با اشکال هندسی ایجاد کرده‌اند (تصویر ۱۰).



Ol.c 2022. Sur. M. n:11

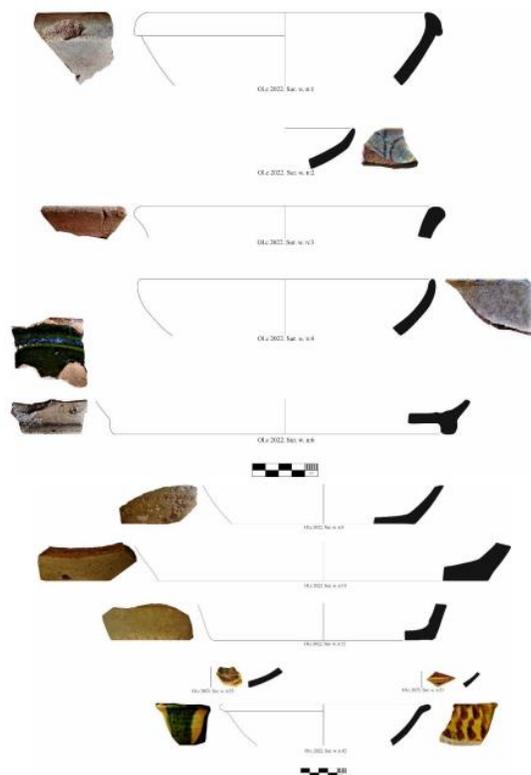


تصویر ۱۰- مهره‌های فریت و شیشه‌ای گورستان (نگارندگان، ۱۴۰۲)

سفالینه‌های سطحی محوطه

در لایه‌های سطحی گورستان، شماری قطعات سفال به دست آمد (تصویر ۱۱). این قطعات سفال به شیوه چرخ سفالگری ساخته شده‌اند. سفال‌ها در اشکال بدنه، لبه و کف بوده و برخی از آن دارای پوشش گلی و لعاب است. سفال‌های شاخص سطحی محوطه از این نظر قابل مقایسه با سفال‌های به دست آمده از محوطه نیشابور (Wilkinson, 1973: 280)، یئل سویی (طهماسبی و همکاران، ۱۴۰۲)، اوّلتان قالاسی شهرستان پارس آباد (Alizade, 2011)، برزندقالاسی (محمدی، ۱۳۹۷)، جمعه مسجد اردبیل، قیز قالاسی بیله‌سوار، شهر دربند (Qadjiev, et al. 2019: 83)، شمکیر (Bayramov, 2014: 84; Dostiyev, 2009: 34)، جمهوری

آذربایجان است. گاه‌شناختی این سفال‌ها متعلق به سده‌های اولیه اسلام است. همچنین، در بررسی سطحی محوطه و درون دپوی خاک، شماری قطعه سفال متعلق به خمره به دست آمد. باتوجه به برجانبودن خاک نمی‌توان دربارهٔ این قطعات که متعلق به تدفین (تدفین خمره‌ای) یا ذخیره‌سازی آذوقه است. نظر داد. اما یافت شدن این‌گونه ظروف در گورستان احتمال تدفینی بودن آن‌را قوت می‌بخشد.



تصویر ۱۱- نمونه‌ای از قطعات سفال سطحی محوطه (نگارندگان، ۱۴۰۲)

بحث و تحلیل

گورستان اولتان قالاسی به عنوان یکی از محوطه‌های گورستانی شاخص در منطقهٔ شمال‌غرب ایران و حتی جنوب قفقاز در دوران ساسانی و اوایل اسلام محسوب می‌شود. نتایج این گورستان مقدمه‌ای در بازشناخت بخشی از وضعیت تدفینی و گرایش‌های دینی ساکنان منطقه در دوران مذکور حائز اهمیت است. باتوجه به یافت شدن سه عدد سکه متعلق به هرمز دوم (۳۰۲-۳۰۶م) و مطالعهٔ تطبیقی سایر مواد فرهنگی با محوطه‌های کاوش شده در مناطق چون محوطهٔ فارسان و آبدانان (Habibi, 2023: 201-204) و برخی محوطه‌های جنوب‌غرب ایران (Kennrt, 2002: 157-158)، قصرابونصر شیراز (Winlock, 1934: 12)، تل ملیان (Alden & Balcer, 1978: 83-84)، نینوا (Simpson, 2005: 148)، جنوب قفقاز (Simpson, 2015: 79)، اولتان قالاسی، گردی بازار کردستان عراق (Squitieri, 2020:80)، گاه‌شناختی محوطه، متعلق به دوران ساسانی و اوایل اسلام است. تاریخ‌گذاری گورستان متکی به سکه‌های هرمز دوم ساسانی (۳۰۲ - ۳۰۹ میلادی) و گاه‌شناختی براساس یافته‌های سفالین محوطه، بوده است. ظروف سفالین محوطه یکی دیگر از مواد فرهنگی مهم در شناخت سفال دوران ساسانی منطقهٔ شمال‌غرب ایران است. به طوری که پیش از این کاوش، اطلاعات دربارهٔ شکل و تزیینات سفالینه‌های دوران ساسانی بسیار ناچیز بوده است. سفال‌های دوران ساسانی منطقهٔ

شمال غرب ایران از نظر شکل و تزئین قابل مقایسه با سفال‌های شاخص محوطه‌های چون قصر ابونصر شیراز (Winlock, 1934: 12)، تل ملیان (Alden & Balcer, 1978: 83-84)، اؤلتنان قالاسی (Alizadeh, 2014, 2011؛ Alizadeh & Ur, 2007) و سایر محوطه‌ها (Kennet, 2004) است. بنابراین، گورهای کاوش شده در گورستان اؤلتنان قالاسی از دوران ساسانی (حداقل از هرمز دوم و بعد از آن) مورد استفاده قرار گرفته است. با ورود اسلام به منطقه مغان (بلاسجان) در سال ۲۲ ه.ق. (بلاذری، ۱۳۶۸: ۴۵۸-۴۵۷) تغییر در جهت گورها و حالت قرارگیری جسد، اتفاق می‌افتد. هرچند در گورهای کاوش شده شواهدی از گورهای با ماهیت ساسانی - اسلامی یافت نشد. با این حال به نظر می‌رسد قرارداد جسد درون تابوت‌های چوبی و ساختارهای خشتی نوعی پابندی به سنت‌های پیشین منطقه (اشکانی و حتی پیشاشکانی) که بیشتر متأثر از فرهنگ جنوب قفقاز (فرهنگ آلبانیای قدیم) بوده است (Osmanov, 2011: 44). کشف گورهای از دوران ساسانی در منطقه مغان نشان از عدم پابندی به سنت‌های زردشتی مبنی بر تدفین درون بستر زمین است. بنابراین، می‌توان حدس زد در این منطقه همانند محوطه‌های گورستانی از قبیل تل ملیان (Alden & Balcer, 1978: 83-84)، تل سنکر A (Kamada & Ohtsu, 1988: 150)، شهر قومس (Hansman, J., & Stronach, 1970: 153)، شوش (Boucharlat, 1991: 72)، اؤچ تپه (Gibson, 1981: Plate 101)، امارات (Kutterer et al, 2015: 43-54) 2، قلعه ایرج پیشوای ورامین (Mousavinia et al, 2018: 33)، گردی بازار کردستان عراق (Squitieri, 2020: 80)، قلعه کنگلو سوادکوه مازندران (سورتیچی، ۱۳۹۰: ۹۰)، بیشتر تحت تأثیر سنت‌های دوره قبل از خود قرار دارند (محمدی‌فر و امینی، ۱۳۹۴: ۱۹۱). در نگاه کلی، شیوه تدفین، موقعیت، کم و کیف گورنهادها، تشابهات بسیاری با گورهای دوران پیش‌از ساسانی منطقه دارد. بنابراین تداوم شیوه‌های خاک‌سپاری جسد درون خاک به عنوان یکی از سنت‌های غالب تدفینی، در منطقه شمال غرب ایران حداقل از دوران نوسنگی تا به امروز بوده و ارتباط مستقیم با اعتقادات جامعه داشته است. هرچند به دلیل کمبود داده‌ها، اطلاعات پیرامون باورهای آیینی - دینی مردم منطقه در دوره‌های مختلف امکان‌پذیر نیست. با این حال، آنچه مشخص است شیوه خاک‌سپاری به عنوان سنت غالب تدفینی منطقه در دوره‌های مختلف بوده است.

باورهای آیینی جوامع دشت مغان ایران برخلاف جنوب قفقاز که بیشتر پیرو آیین مسیحیت بوده‌اند (Osmanov, 2011: 44) به دلیل کمبود کاوش‌های باستان‌شناختی چندان مشخص نیست. هرچند در نگاه کلی شاید باورهای مسیحیت بیشتر تأثیرگذار بوده است. اما در میان پژوهشگران عموماً اعتقاد به آموزه‌های دینی زردشت به عنوان گرایش دینی غالب مردم منطقه همانند سایر مناطق در دوران ساسانی معرفی می‌شود. این فرضیه زمانی قوت پیدا کرد که این منطقه با عنوان یکی از مراکز اصلی محل تولد زردشت معرفی شد^۱ (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۱۲۰؛ ابن فقیه همدانی، ۱۴۱۶: ۱۲۸-۱۲۹). شکل‌گیری آتشکده آذرگشنسب و اهمیت دینی - سیاسی آن در دوران ساسانی، عامل اصلی در انتساب باورهای دینی مردم منطقه به آیین زردشت بوده است (بویس، ۱۳۷۷: ۲۸-۳۰). این درحالی است که شواهد آیینی مربوط به آیین زردشت از قبیل چهارطاقی، استودان و آتشکده در منطقه نسبت به سایر مناطق ایران (نک. به، نامجو، ۱۳۹۴: ۱۳۶-۱۳۷) بسیار محدود شناسایی و گزارش شده است. همچنین، شناسایی تدفین‌های از دوران ساسانی در محوطه هفتوان تپه (Burney, 1970: 169-171)، قلعه بسطام در سلماس (Squitieri, 2020: 73) و تدفین‌های همزمان در برخی مناطق جنوب قفقاز (Avşarova & Pirquliyeva, 2010: 49) تردید اساسی درباره پابندی مردم این منطقه به آموزه‌های زردشتی را مطرح می‌کند. بنابراین، مسأله زردشت و اعتقاد به باورهای او، در میان مردم منطقه، با چالش‌های اساسی مواجه است و

^۱ - هرچند مطالعات زبان‌شناختی و توصیفات اوستا، تاحدودی مغایر این فرضیه است (نک. به، آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۰).

نمی‌توان به راحتی دین غالب مردم منطقه را زردشتی در نظر گرفت. به طوری که نگاهی به وضعیت دینی - مذهبی دوران ساسانی، نشان می‌دهد علاوه بر دین زردشتی، ادیان و مذاهبی از قبیل مسیحیت، یهودیت، زروانسیسم، مانوی، مزدک و بودایی نیز پیروانی برای خود داشته‌اند. گسترش ادیان غیر زردشتی درون قلمرو ساسانی چنان زیاد بوده است که کرتیر دستور تخریب معابد آن‌ها را صادر می‌کند (اکبرزاده، ۱۳۸۵: ۹۰). دین حکومتی زردشتی در تمام مدت حکومت ساسانی به عنوان دین واحد نبوده است (شیپمان، ۱۳۸۴: ۱۰۸). آموزه‌های زردشتی فقط بین حاکمان و رهبران آیینی در دوران ساسانی عمومیت داشته است (کریستین‌سن، ۱۳۹۰: ۱۰۰). اردشیر در عنوان‌های رسمی خود را «پرستنده اهورامزدا که چهار از ایرانیان دارد» (لوکونین، ۱۳۶۵: ۶۷) نام برده است. بنابراین می‌توان گفت: که تراکم اصلی پیروان آیین زردشت در نواحی نزدیک به مراکز حکومتی به خصوص استان فارس بوده است (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۰۶؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۳۵). شواهد باستان‌شناختی نیز مؤید این موضوع بوده (نامجو، ۱۳۹۰: ۱۸۸-۱۹۰) و عمده تمرکز این بناهای دینی به ترتیب در فارس، عراق عجم و کرمان است (محمدی‌فر و امینی، ۱۳۹۴: ۱۳۰).

در دوره ساسانی آتشکده آذرگشنسب، آذربرزین مهر و آذرفرنغ به ترتیب متعلق به قشر نظامیان و حاکمان، کشاورزان و روحانیان بوده است (کریستین‌سن، ۱۳۹۰: ۱۱۹). آتشکده شاهانه آذرگشنسب در منطقه آذربایجان قرار داشت. شاهان ساسانی با پای پیاده از ایوان مدائن به زیارت آن می‌رفتند (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۱۲۰). مردم عادی اجازه ورود به این مجموعه را نداشته‌اند. در این صورت بایستی فضاهای نیایشگاهی مختص مردم عادی در منطقه وجود داشته باشد. تا به امروز در پرتوی فعالیت‌های باستان‌شناختی تاکنون شواهدی از این فضاها شناسایی نشده است. منطقه آذربایجان، برخلاف سایر مناطق ایران از نظر کم و کیف فضاهای معماری متعلق به آیین زردشتی به خصوص چهارطاقی و آتشکده بسیار فقیر است. شکل‌گیری آتشکده شاهانه (آذرگشنسب) در منطقه آذربایجان به نظر با اندیشه سیاسی - دینی دوران ساسانی ارتباط داشته است. احداث فضاهای آیینی به خصوص چهارطاقی در دوران ساسانی می‌توانست بیانگر این واقعیت باشد که دولت و نمایندگانش در زمینه دین کوشیده‌اند که با احداث این قبیل بناهای متعدد، دین رسمی را محبوب سازند (شیپمان، ۱۳۸۳: ۱۲۴). آتشکده و چهارطاقی تخت‌سلیمان نیز می‌توانست بیانگر چنین تفکراتی باشد. احداث بناهای وابسته به حکومت در مناطقی که اعتقادات اکثریت مردم مغایر با اندیشه دینی حکومت بوده‌اند امری بسیار رایج بوده است. چنین شیوه تبلیغ را به صورت یک کهن الگو در دوره‌های مختلف تاریخی می‌توان مشاهده نمود. علاقه به اعتبار امپراطوری و تبیین قدرت نویافته در سده‌های اولیه اسلام، خلفا را به ساخت مساجد بزرگ در شهرهای که برای نخستین بار دولت اسلامی شکل می‌گرفت وا می‌داشت (اتینگ‌هاوزن و گرابر، ۱۳۸۷: ۲۸؛ هیلن براند، ۱۳۸۰: ۳۴). در اوایل اسلام پس از فتح اردبیل که به عنوان کرسی ولایت آذربایجان بود، با وجود اینکه جملگی مردم مسلمان نشده بودند و **نبردهایی** وجود داشت (طبری، ۱۳۷۵: ۱۹۷۹-۱۹۸۰)، به دستور أشعث، مسجدجامع ساخته شد (بالذری، ۱۳۶۷: ۴۶۲). یا ساخت معابد بودایی در قلمرو سرزمین‌های اسلامی در دوره ایلخانیان مغول نشانگر چنین تفکراتی بوده است. در صورت پذیرفتن این فرضیه انتظار می‌رود شاهان ساسانی با ساخت آتشکده در این سرزمین (ابودلف، ۱۳۵۴: ۴۱-۴۲)، تلاش در راستای گسترش و تبلیغ آیین زردشت در میان مردم منطقه داشته‌اند. از طرفی نزدیکی این سرزمین به جهان مسیحیت، به خصوص پس از گرویدن تیردادچهارم پادشاه ارمنستان به مسیحیت در زمان شاپور دوم (دریایی، ۱۳۹۱: ۵۹) بیم آن وجود داشت که آیین مسیحیت در میان مردم منطقه گسترش پیدا کند (محمودآبادی، ۱۳۸۲: ۳۴۷). اتفاقی که در برخی مناطق جنوب قفقاز رخ داد و مردم به مسیحیت گرایش یافتند. شیوه خاکسپاری درون بستر زمین (Avşarova & Pirquliyeva, 2010: 49)، برخلاف باورهای زردشتی (دریایی، ۱۳۸۳: ۱۲۸) تداوم پیدا کرد. به خصوص از آنجایی که رسالت اکثر

حاکمان ساسانی گسترش آیین زردشتی بوده است. کرتیر در متن کتیبه کعبه زردشت چنین اشاره می‌کند: «... و برهمنان، نصاریان، مسیحیان، معتسلان و مانویان اندر شهر زده شدند و بت‌ها ویران شدند ... و شهر به شهر، جای به جای، بس کردگان ایزدانی افزونی گرفت. بس آذران بهرام نشانید...» (اکبرزاده، ۱۳۸۵: ۸۹). چنین رویه توسط موبد آذرگشنسب در زمان شاپور دوم که موجب آزار و اذیت مسیحیان شد (دریایی، ۱۳۹۱: ۶۲) نیز ادامه پیدا کرد. در این دوران، دستور ساخت آتشکده در تمام قلمرو امپراطوری صادر می‌شود (لوکونین، ۱۳۵۰: ۱۴۲)، تا مقدمات گسترش آیین زردشت در میان مردم به خصوص در نواحی که جزء ایران محسوب نمی‌شد، فراهم شود. این درحالی بود که در سرزمین‌های شمالی به خصوص قفقاز که جزء ایران نبود (اکبرزاده، ۱۳۸۵: ۹۰) روند گسترش مسیحیت و ساخت کلیسا بسیار شتاب پیدا کرده بود (دریایی، ۱۳۹۱: ۵۹).

دشت مغان که امروزه قسمت‌های از آن جزء استان اردبیل است. در دوران ساسانی که بیشتر بانام بلاسگان شناخته می‌شد (Sperngling, 1953: 14). براساس، متن کتیبه کعبه زردشت، این نواحی جزء «انیران» محسوب می‌شد (اکبرزاده، ۱۳۸۵: ۹۰). واژه انیران در ادبیات زردشتی و همچنین، اندیشه سیاسی ساسانیان کاملاً بار معنای دینی دارد و انیران (Anēr) به پیروان مذاهب غیرزردشتی اطلاق می‌شده است (Gignoux, 1985: 31). واژه انیران از لحاظ قومی، زبانی غیرایرانی و از لحاظ دینی نیز غیرزردشتی بودند اما در قلمرو شاهنشاهی ساسانی قرار داشتند (قنوتی هندیجانی و محمدی‌فر، ۱۳۹۶: ۸۴). بنابراین، از نظر کرتیر وجه تمایز ایران با انیران آیین زردشت بوده است (دریایی، ۱۳۹۱: ۱۵۱). در این مناطق (حوزه انیران) انتظار می‌رود، سنت‌های تدفین نیز مغایر با آموزه‌های دین زردشت بوده باشد. سنت تدفین در گورستان اولتان قالاسی دشت مغان (بلاسگان/بلاسجان)، برخلاف آموزه‌های دین زردشت، شیوه خاکسپاری بوده است. چنین شیوه تدفین در کنار عدم شناسایی چهارطاقی، استودان و کمبود فضاهای معماری آتشکده در این منطقه می‌تواند با آموزه‌های غیرزردشتی ساکنان آن در ارتباط باشد. هرچند به دلیل کمبود دانسته‌ها و اطلاعات درباره سنت‌های تدفین دوران ساسانی منطقه شمال غرب ایران، نمی‌توان به درستی پاسخ صحیح به گرایش‌های دینی ساکنان منطقه داد. با این حال، با استناد به تدفین‌های محوطه اولتان قالاسی دشت مغان، هفتوان تپه (Burney, 1970: 169-171)، قلعه بسطام (Squitieri, 2020: 73)، تپه چپرآباد (گرگرو) اشنویه و گورستان‌های ساسانی در شمال عراق (Squitieri, 2020: 80)، بتوان فرضیه مغایرت باورهای اعتقادی بخشی از جامعه ساکن منطقه در دوران ساسانی را با آموزه‌های زردشت را مطرح نمود. شاید همین عامل باعث شد تا این منطقه پناهگاهی امن برای سایر گرایش‌های دینی در دوران ساسانی باشد (ایمان‌پور و گلایه امیری، ۱۳۹۰: ۵۴). به طوری که مزدک پس از شکست به منطقه آذربایجان فرار کرد (ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۸۵). همچنین، سوای از شواهد باستان‌شناختی، در منابع مکتوب اوایل اسلام، نیز تنها به آتشکده آذرگشنسب در منطقه آذربایجان اشاره شده است (بالذری، ۱۳۶۷: ۴۵۷؛ ابودلف، ۱۳۵۴: ۴۲؛ ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۱۲۰؛ ابن فقیه همدانی، ۱۴۱۶: ۱۲۸-۱۲۹). در ماجرای فتح منطقه، نیز اشاره می‌شود که تنها ساکنان شیز (آذرگشنسب) از اجرای مراسمات دینی خود مصون هستند (بالذری، ۱۳۶۷: ۴۵۷). بنابراین، کلیات شواهد تاریخی و باستان‌شناختی (محمدی‌فر و امینی، ۱۳۹۴) نشان می‌دهد. باتوجه به شباهت‌های ساختاری معماری گورها با نمونه‌های یافت شده از جنوب قفقاز (Osmanov, 2011: 44) که بیشتر متأثر از گرایش‌های مسیحیت بوده است (Abdurahmanov, 2022: 118) و ارتباطات فرهنگی و تجاری میان شهرهای آذربایجان ایران با جنوب قفقاز در دوران تاریخی و سده‌های اولیه و میانی اسلام (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۱۲۰) وجود داشت. می‌توان حدس زد تأثیرات دینی - مذهبی فرهنگ بومی (پیشاساسانی) در کنار فرهنگ‌های جنوب قفقاز که بیشتر گرایش به دین مسیحیت داشته‌اند در گورهای گورستان اولتان قالاسی نقش داشته است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از کاوش گورستان اؤلتان قالاسی، به عنوان یکی از ارزشمندترین محوطه‌های کاوش شده مربوط به دوران ساسانی و اوایل اسلام محسوب می‌شود. تعداد ۸ گور از دوران ساسانی در این گورستان شناسایی و کاوش شد. براساس مواد فرهنگی به خصوص سه سکه مکشوفه، متعلق به هرمز دوم ساسانی، گاه‌شناختی گورستان متعلق به بازه زمانی فوق (هرمز دوم یا اندکی پس از آن) است. یافته‌های فوق، سند بسیار ارزشمند در بازشناخت وضعیت تدفینی منطقه در دوران ساسانی و همچنین، شناخت مواد فرهنگی به خصوص ظروف سفالین این دوران محسوب می‌شود. این گورستان بدون وقفه در دوران اوایل اسلام نیز مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج دیگر این پژوهش مشخص کرد که سنت قراردادن جسد در هوای آزاد و استودان در این محوطه، منسوخ بوده و شیوه معمول دفن درون بستر زمین، در میان ساکنان این محل رواج داشته است. به نظر می‌رسد پایدی به سنت‌های زردشتی در میان مردم محل، چندان رواج نداشته و عموماً پایدی به آموزه‌ها و سنت‌های پیشینیان بوده است. همچنین، شناسایی گورهای با ساختار خستی و چوبی که قابل مقایسه با نمونه‌های یافت شده از جنوب قفقاز است. فرضیه تأثیر باورهای مسیحیت به خصوص فرهنگ‌های رایج در منطقه جنوب قفقاز (آلبانیای قدیم) در میان ساکنان محوطه اؤلتان قالاسی وجود داشته است. همین عامل سبب دفن اجساد درون چاله برخلاف رها کردن در هوای آزاد (سنت زردشتی) شده که در دوران اوایل اسلام، نیز ضمن پذیرش دین اسلام، حالت قرارگیری جسد روبه سمت قبله قرار گرفته است. با این حال، ساختار معماری گورها، کماکان متأثر از سنت‌های پیشین و الگوپذیری از فرهنگ جنوب قفقاز باقی‌مانده است. به طور کلی برآیند پژوهش نشان می‌دهد که گورستان اؤلتان قالاسی همانند محوطه پیرامون خود از دوران تاریخی تا دوران اسلامی بدون وقفه مورد استفاده قرار گرفته است و احتمالاً از وسعت قابل توجهی نیز برخوردار باشد. همچنین، نتایج دیگر پژوهش مشخص کرد که تدفین درون بستر زمین با اندیشه "انیران" نامیده شدن منطقه در کتیبه کعبه زردشت همخوانی دارد. در هر حال، برای ارزیابی و سنجش فرضیه‌ها نیازمند تداوم کاوش در این گورستان و انجام مطالعات باستان‌سنجی و همچنین، انجام کاوش‌های منسجم و هدفمند در سایر مناطق است.

کتابنامه

- ابن بلخی، (۱۳۸۵). *فارس‌نامه*، تصحیح گلی لسترانج و رینولد ال نیکلسون، تهران: اساطیر.
- ابن حوقل، (۱۳۶۶). *صوره الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن خرداد به، (۱۳۷۱). *مسالك و ممالک*، ترجمه سعید خاکرند، تهران: میراث ملل.
- ابن فقیه همدانی، (۱۴۱۶). *ترجمه مختصر البلدان*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابودلف، (۱۳۵۴). *سفرنامه ابودلف در ایران*، ترجمه سید ابوالفضل طباطبایی، تهران: زوار.
- آیینگهاوزن، ریچارد؛ و گرابر، الگ، (۱۳۸۷). *هنر و معماری اسلامی ۱*، ترجمه یعقوب آزند، تهران: سمت.
- اکبرزاده، داریوش، (۱۳۸۵). *سنگ‌نبشته‌های کرتیر موبدان موبد*، تهران: پازینه.
- اکبری، امیر، (۱۳۸۷). *کعبه زرتشت و اهمیت تاریخی کتیبه شاپور اول ساسانی*، پژوهش‌نامه تاریخ، ۳ (۱۱): ۲۹-۷۰.
- ایمان‌پور، محمدتقی؛ و امیری، گلاره، (۱۳۹۰). *جایگاه دینی آذربایجان در دوره ساسانی، تاریخ اسلام و ایران*، ۲۱ (۱۰): ۴۱-۶۲.
- آموزگار، ژاله؛ و تفضلی، احمد، (۱۳۷۰). *اسطوره زندگی زردشت*، تهران: چشمه.
- بالذری، احمد بن یحیی، (۱۳۶۷). *فتوح البلدان*، تهران: نقره.
- بویس، مری، (۱۳۷۷). *چکیده تاریخ کیش زرتشت*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: انتشارات صفلی‌شاه.

توکلی، آریوبرزن، (۱۳۹۶). مطالعه شواهد باستان‌شناختی تدفینی از فروپاشی شاهنشاهی هخامنشی تا پایان ساسانی در زاگرس جنوب‌غربی و شرق خوزستان، *پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت شیراز.

دریایی، تورج، (۱۳۹۱). *ناگفته‌های امپراطوری ساسانی*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.

دریایی، تورج، (۱۳۸۳). *شاهنشاهی ساسانی*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.

سورتیجی، سامان، (۱۳۹۰). معرفی شیوه تدفینی از دوره ساسانی در قلعه کنگلو واقع در سوادکوه مازندران، *مطالعات باستان‌شناسی*، ۳(۲): ۷۷-۹۲.

شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم، (۱۳۵۰). *الملل و النحل*، تهران: انتشارات اقبال.

شپیمان، کلاوس، (۱۳۸۳). *تاریخ شاهنشاهی ساسانیان*، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.

طبری، محمد بن جریر طبری، (۱۳۷۵). *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.

علیزاده، کریم، (۱۳۸۸). *دشت مغان در دوره ساسانی*، مطالعات باستان‌شناسی، ۱(۱): ۱۰۹-۱۱۷.

قنوتی هندیجانی، محمد؛ و محمدی فر، یعقوب، (۱۳۹۶). نگاهی به متصرفات انیرانی ساسانی در قفقاز جنوبی براساس داده‌های باستان‌شناختی، *مطالعات تاریخ فرهنگی پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ*، ۸(۳۲): ۱۰۳-۸۱.

کامبخش فرد، سیف‌الله، (۱۳۷۴). *معبد آناهیتا*، تهران: سازمان میراث فرهنگی.

کریستین سن، آرتور، (۱۳۹۰). *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: صدای معاصر.

گاریلیدی، آندرتا، (۱۳۹۵). *تاریخ و سکه‌های ساسانی*، ترجمه شاهین آریامنش، تهران: آریارمنا.

لوکونین، ولادیمیر گریگوریوویچ، (۱۳۶۵). *تمدن ایران ساسانی*، ترجمه عنایت‌اله رضا، تهران: علمی فرهنگی.

محمدی، سید روح‌اله، (۱۳۹۷). گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و حریم برزند قالاسی شهرستان گرمی مغان استان اردبیل، *مجموعه مقالات سالانه همایش باستان‌شناسی ایران*، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

محمودآبادی، سیداصغر، (۱۳۸۲). *امپراطوری ساسانیان در گزارش‌های تاریخی اسلامی و غربی*، اصفهان: افسر.

نامجو، عباس، (۱۳۹۰). مکان‌یابی باستان‌شناسی آتشکده‌های ساسانی بنابر متون تاریخی و جغرافیایی سده سوم تا نهم هجری، *رساله دکتری رشته باستان‌شناسی دوران تاریخی*، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

نصراله‌زاده، سیروس، (۱۳۸۴). *نام تبارشناسی ساسانیان از آغاز تا هرمنز دوم*، تهران: میراث فرهنگی.

هیلن براند، روبرت، (۱۳۸۰). *معماری اسلامی*، ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: روزنه.

ABDURAHMANOV, E., (2022). "Albaniyanın Şaki Vilayətinin Qəbir Abidələri (III-VIII Əsrlər)", *Akademik Tarih ve Düşünce Dergisi Azerbaycan Kültür Başkenti Şuşa'nın 270. Yılı Armağan Sayısı*, s. 114-141.

Akbarzadeh, D. (2022). A Note on Sasanian Glassware and Zoroastrian Sacred Numbers (Sasanian to Post-Sasanian Periods). *Iranian Journal of Archaeological Studies*, 12(2), 37-45.

Alden, J. R., & Balcer, J. M. (1978). Excavations at Tal-i Malyan. *Iran*, 16, 79-92.

Alizadeh, K. 2011. Ultan Qalasi: A fortified site in the Sasanian borderlands (Mughan steppe, Iranian Azerbaijan). *Iran*, 49(1), 55-77.

Alizadeh, K. (2014). Borderland projects of Sasanian empire: intersection of domestic and foreign policies. *Journal of Ancient History*, 2(2), 93-115.

Alizadeh, K., & Ur, J. A. (2007). Formation and destruction of pastoral and irrigation landscapes on the Mughan Steppe, north-western Iran. *Antiquity*, 81(311), 148-160.

Avşarova, I., & Pirquliyeva, Q. (2010). *Qafqaz arxeologiyası: dərslük*. Bakı universiteti.

- Bivar, A. D. H. (1969). *Catalogue of the Western Asiatic seals in the British Museum/Stamp seals 2 The Sassanian dynasty/by ADH Bivar*. Trustees of the British Museum.
- Boucharlat, R. (1991). *Pratiques funéraires à l'époque sassanide dans le sud de l'Iran*. na.
- Burney, C. (1970). Excavations at Haftavān Tepe 1968: First Preliminary Report. *Iran*, 8(1), 157-171.
- Dostiyev, D., (2014). ORTA ƏSR ŞƏMKİR ŞƏHƏRİNİN MARQANS NAXIŞLI ŞİRLİ SAXSI QABLARI. *Azərbaycan Arxeologiyası*, V: 17 N: 2, P 59-66.
- Dostiyev, T., (2009). ORTA ƏSR ŞƏMKİR ŞƏHƏR YERİNİN ARXEOLoji TƏDQIQİNİN İLK YEKUNLARI. *Azərbaycan Arxeologiyası*, V: 12 N: 9, P 12-37.
- Ghodrat-Dizaji, M. (2007). Administrative Geography of the Early Sasanian Period: The Case of Ādurbādagān. *Iran*, 45(1), 87-93.
- Gibson, M. (Ed.). (1981). *Uch Tepe: Tell Razuk, Tell Ahmed al-Mughir, Tell Ajamat* (Vol. 10). Institute for the Study of Ancient Cultures.
- Goshgarli, G.,(2013). COMBINED GRAVES OF CAUCASIAN ALBANIA. *Azerbaijan Archaeology*. V: 16 N: 2, P 15-31.
- Habibi, H. (2023). *Socioeconomic Transformation in the Sasanian Empire: Late Antique Central Zagros*.
- Hansman, J., & Stronach, D. (1970). A Sasanian repository at Shahr-i Qūmis. *Journal of the Royal Asiatic Society*, 102(2), 142-155.
- Huff, D. (2006). The Ilkhanid Palace at Takht-i Sulayman: Excavation Results. In *Beyond the legacy of Genghis Khan* (pp. 94-110). Brill.
- KAMADA, H., & OHTSU, T. (1988). REPORT ON THE EXCAVATIONS AT SONGOR A— ISIN-LARSA, SASANIAN AND ISLAMIC GRAVES— ラーフィダーン= *al-Rafīdān*, 9.
- Kasumova, S. J. (1991). *Le Sceau du catholicos d'Albanie et du Balāsagān*.
- Kennet, D. (2004). Sasanian and Islamic Pottery from Ras Al-Khaimah (EBook Version).
- Kutterer, A., Jasim, S. A., & Yousif, E. (2015). Buried far from home: Sasanian graves at Jebel al-Emeilah (Sharjah, UAE). *Arabian archaeology and epigraphy*, 26(1), 43-54.
- Mousavinia, M., Nemati, M. R., & Mortezaei, M. (2018). Newly-found Evidence of Sassanid Simple-pit Burial at Qaleh Iraj, Pishvā, Iran. *Iranian Journal of Archaeological Studies*, 8(1), 29-40.
- Osmanov, F. (2001). Qafqaz Albaniyasının Defn Adetleri Haqqın. *Azərbaycan Arxeologiyası*, Vol: 3 Num.: 1-4, p 43-47.
- Qadjiev, M., Taymazov, A., Budaychiev, A., Abdulaev, A., & Abiev, A. (2019). Dərbənddə (Bab-əl-Əbvabda) erkən müsəlman nekropolu, *Azərbaycan Arxeologiyası*, cild: 22 Num.: 2, p66-84. DOI:10.5782/2218-0346.2019.22.2.66
- Shahinyan, A. (2016). Northern Territories of the Sasanian Atropatene and the Arab Azerbaijan. *Iran and the Caucasus*, 20(2), 191-203.
- Shishegar A. (1992) *Iranian glass*. Tehran: Cultural Heritage of Tehran province, [inPersian]
- Simpson, S. J. (2005). Sasanian glass from Nineveh. *Annales du 16e Congrès de l'Association Internationale pour l'Histoire du Verre, Nottingham*, 146-151.
- Simpson, S. J. (2015). Sasanian glassware from Mesopotamia, Gilan, and the Caucasus. *Journal of Glass Studies*, 77-96.
- Sprengling, M. (1953). *Third Century Iran, Sapor and Kartir*. University of Chicago. Oriental Institute.
- Squitieri, A. (2022). The Sasanian Cemetery of Gird-i Bazar in the Peshdar Plain (Iraqi Kurdistan). *Iran*, 60(1), 73-90.

TAHMASEBI, F., REZALOU, R., JAVANMARDZADEH, A., & AGHDAM, E. M. (2023). An Archaeological Look into simple pit burials at Tepe Qara Hasanlu, Namin, Ardabil.

Walker, J. (2007). *Glass, gilding, and grand design: Art of Sasanian Iran (224-642)*.

Winlock, H. E., Hauser, W., & Upton, J. M. (1934). The Persian Expedition 1933-1934. *The Metropolitan Museum of Art Bulletin*, 29(12), 3-22.

Zarei, M. E. (2023). An Investigation into the Sassanian Glassware Kept in the Sanandaj Archaeological Museum. *The International Journal of Humanities*, 30(3), 74-84.

ACCEPTED MANUSCRIPT